

الگوهای رفتاری از زندگی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

تأثیر الگو و نقش‌پذیری انسان از آن، امری طبیعی است که از غریزه تقلید سرچشمه می‌گیرد. اسلام با تأکید بر حفظ حریت آدمی و رعایت آزادی‌های شایسته بشر و با توجه به روحیه تأثیرپذیری انسان، اصل پیروی جاهل از عالم و الگوپذیری از نمونه‌های راستین را مورد تأکید قرار داده است.

براین اساس، قرآن کریم، از آسیه و مریم(س)، [۳] ابراهیم (ع) و همراهان او [۴] و از پیامبر گرامی اسلام(ص) [۵] به عنوان الگوهای شایسته نام برده است.

فاطمه (س) - پاره تن پیامبر اعظم(ص) [۶] - به عنوان سرور همه زنان تاریخ، حتی بر مریم(س) برتری دارد. [۷] امامان معصوم(ع) که خود الگوی همگان در تمام ابعاد وجودی‌اند، فاطمه زهرا(س) را اسوه شایسته خویش معرفی می‌کنند. امام حسن عسکری(ع) می‌فرماید:

نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ جَدَّتْنَا فَاطِمَةَ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْنَا [۸]

ما (ائمه) حجت خدا بر مردم و مادرمان فاطمه حجت خدا بر ماست.

و امام زمان(عج) در توقیع مبارکش، از ایشان به عنوان اسوه‌ای حسنه برای خودش یاد می‌کند. [۹]

فاطمه(س) نه تنها الگوی یک زن مسلمان و نمونه مکتب اسلام برای زنان است بلکه اسوه تمام جهانیان در ابعاد مختلف زندگی است؛ [۱۰] در کار و تلاش، در هدفداری، در صبر و استقامت، در بندگی و عشق به پرستش معبود، در زهد و ساده‌زیستی، در حیا و حجاب و عفاف، در عرصه وظایف خانوادگی، در جبهه دفاع از ولایت و ... همه رفتارهای فاطمه (س) درس‌آموز است: محبتش، خشمش، مبارزه‌اش، حق‌خواهی‌اش، همسرداری‌اش، تربیت فرزندانش، عبادتش، زهد و تقوایش و ...

این نوشتار، در پی آن است تا گوشه‌ای از این دریای بیکران را به تصویر بکشد، اما پیش از آن، توجه به مفهوم الگوی رفتاری و اهمیت آن ضروری است.

مفهوم الگوی رفتاری

تعریف

الگو در لغت به معانی اسوه، مُدل، نمونه، مثال، سرمشق و قُدوه آمده است. [۱۱] الگو و اسوه در لغت علاوه بر نمونه‌های عینی به مفاهیم هم اطلاق می‌شوند. [۱۲]

اسوه تعبیر عربی و قرآنی الگوست و مراد از آن، حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خودش کسب می‌کند. [۱۳] روشن است در این تعریف، جنبه غیر عینی اسوه لحاظ گردیده اما گاهی اسوه به کسی گویند که باید به وی تأسی جست و مانند او عمل کرد [۱۴] که این بیان به سرمشق عینی اشاره دارد.

این دو معنا در فرهنگ علوم رفتاری هم ملاحظه می‌شود و الگو قابل انطباق بر دو گونه مصداق است. جنبه عینی الگو امری است که در یک گروه اجتماعی شکل می‌گیرد تا در رفتارهای اجتماعی به عنوان مُدل، راهنمای عمل قرار گیرد و در جنبه غیر عینی، الگوها، شیوه‌های زندگی هستند که از صُور فرهنگی نشأت می‌گیرند. [۱۵]

روش الگوسازی

از این روش در روانشناسی اجتماعی به نام همانندسازی [۱۶] یاد می‌شود که در آن، نمونه‌ای از رفتار و کردار مطلوب، به صورت عملی در معرض دید شخص قرار می‌گیرد تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی مطابق با عمل نمونه را در خودش پدید آورد. شخص می‌کوشد تا خود را همانند فردی که به نظرش شخصیت قابل قبولی دارد نموده و نگرش‌ها، ویژگی‌های رفتاری و هیجان‌های او را سرمشق خود قرار دهد. این رویه به خاطر کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه نیست بلکه برای این است که آن فرد را پسندیده و نفوذ او را پذیرفته است.

برخی، همانندسازی را ناشی از غریزه تقلید می‌دانند. [۱۷] در مقابل این نظریه، گروهی دیگر معتقدند که همانندسازی و الگوگیری، تأمین‌کننده منافع افراد است و آنها را در نیل به اهداف یاری می‌نماید به این بیان که اگرچه به تأثیر تقلید در کودکی باور داشته باشیم اما وقتی جوانی موهای خود را مانند یک ستاره سینما می‌آراید یا مثل او لباس می‌پوشد نمی‌توان باور داشت که تا آن زمان از عمرش نیروی غریزی تقلید او را به این کار واداشته است بلکه وی بدان جهت به این کار دل می‌بندد که آن روش را وسیله نیل به منزلت و مقام و شیوه زندگی آن ستاره سینما می‌شمرد. [۱۸]

در جمع بین این دو نظریه می‌توان به روش اسوه‌سازی در قرآن _ به عنوان یک روش بنیادین در تربیت _ اشاره کرد. از نظر قرآن یکی از ویژگی‌های مهم این روش، این است که فرد باید در برخورد با اسوه، با بصیرت و انتخابگری به مواجهه بپردازد. قرآن کسانی را که در پیروی از دیگران با کوردلی به هرآنچه بیابند، اقتدا می‌کنند مورد نکوهش قرار می‌دهد و آنان را به بصیرت فرا می‌خواند؛ [۱۹] پس اسوه گزینی هرچند متضمن پیروی از غیر است اما این پیروی هرگز نباید تقلید صرف و با بی‌خبری باشد بلکه تقلید هدفمند و آگاهانه است و بصیرت پیش‌فرض اساسی این روش است.

اهمیت و ضرورت الگوهای برتر

الگو در همه سنین نقش بسیار مهمی در انتقال و درونی کردن ارزش‌ها دارد اما این موضوع در نسل جوان و نوجوان نمود بیشتری می‌یابد. آنها به سبب روح پاک و آرمان‌گرایی خاص خود ندای پاکان و اشخاص نمونه را حس می‌کنند و در نظر کسانی که طبع دینی دارند ندای پاکان همان ندای الهی است. [۲۰]

امروزه تمام دستگاه‌های تبلیغاتی و فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی در پی ارائه و احیاناً تحمیل الگوهای گوناگون خود به افراد، طبقات و خصوصاً نسل جوان هستند. پس با توجه به عنصر آگاهی در تقلید از الگوها و تقویت آن، باید جامعه را به تأسی از الگوهای برتر و اسوه‌های راستین بشری که هماهنگ با نظام ارزشی جامعه‌اند، سوق داد.

اهمیت الگوهای برتر در پیشرفت جامعه، از چند جهت است:

۱. الگوها میزان و ترازوی سنجش رفتار انسان‌ها هستند. افزون بر اینکه بدون بکار بردن الگوها انسان دچار سردرگمی و احیاناً خودبینی خواهد شد.

۲. هدایت و راهیابی به رشد و تکامل بشری از طریق الگوهایی است که به قلّه تربیت و اوج کمال رسیده‌اند و نقش قطب‌نما را دارند تا آدمی، راه را به بیراهه نرود. نمونه بارز این الگوهای هدایتگر پیامبران و اولیای الهی‌اند.

۳. سنجش نارسایی‌ها و نواقص و میزان موفقیت خویش در کسب فضائل با مددگیری از الگو امکان‌پذیر است. وقتی فردی عکس‌العمل الگوی خویش را در برابر محرّکی که برای خودش هم رخ داده می‌نگرد و تفاوت چشم‌گیری بین عکس‌العمل او و عکس‌العمل خودش می‌یابد، به نارسایی رفتار خود پی برده، از آن پس سعی در اصلاح رفتار خویش و تطبیق آن با رفتار الگویی می‌نماید.

۴. اسوه‌ها عامل تحرّک انسان‌ها، یأس‌زدایی و خارج ساختن روح ناامیدی از جامعه‌اند

ابعاد شخصیت ریحانه نبی(ص) [۲۱]

فاطمه زهرا(س) زنی که در حجره ای کوچک و خانه ای محقر، انسان‌هایی را تربیت کرد که نورشان از بسط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلی می‌درخشند. [۲۲] شناخت ابعاد شخصیتی کوثر حیات _ حضرت فاطمه زهرا(س) _ که سوره «هَلْ أَتَى»، آیه «مُبَاهَلَه» و حدیث «کِسَاء» در مورد او و خانواده‌اش نازل شده، [۲۳] از حوزه درک و فهم قاصر و محدود ما فراتر است. اما نکته قابل دقت در این عرصه که دیده عقل را مبهورتر می‌کند، قدرت این بانوی بزرگوار در جمع کردن ابعاد

مختلف و گاه در ظاهر ناسازگار با هم است. در عین زهد و عدم دلبستگی به دنیا، برای دفاع از حقانیت و ولایت، خطبه فدکیه می‌خواند. در همگامی با شوی خود و رعایت اصول شوهرداری، بهترین یاور برای مولای خویش در طاعت پروردگار است [۲۴] و در دعا‌های شبانه خویش خیرخواه همسایگان. [۲۵] در این مورد مقام معظم رهبری می‌فرماید:

❖ در زندگی معمولی این بزرگوار، یک نکته، مهم است و آن جمع بین زندگی یک زن مسلمان، در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه از یک طرف و بین وظایف یک انسان مجاهد، غیور و خستگی‌ناپذیر در برخوردش با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم(ص) که به مسجد می‌آید و سخنرانی و موضعگیری و دفاع می‌کند و حرف می‌زند و... همچنین از جهت سوم، یک عبادتگر و بپادارنده نماز در شبهای تار و قیام‌کننده لله و خاضع و خاشع برای پروردگار است و در محراب عبادت، این زن جوان مانند اولیای کهن الهی، با خدا راز و نیاز و عبادت می‌کند. این سه بُعد را با هم جمع کردن، نقطه درخشان زندگی فاطمه زهرا(س) است. [۲۶]

جمع فضائل در فاطمه زهرا(س) است که او را آئینه حُسن‌نمای جمال حق قرار داده تا آنجا که رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: «لَوْ كَانَ الْحَسَنُ شَخْصًا لَكَانَ فَاطِمَةَ» اگر نیکویی در قالب شخصی جلوه می‌نمود، هرآینه آن شخص فاطمه بود. [۲۷]

از جمله فضائل آن حضرت، مقام علمی ایشان بود. در مقام و درجه علمی او همین بس که ایشان دانش خود را از سرچشمه وحی فرا گرفته و علوم و اسراری که رسول خدا(ص) به او می‌آموخت، توسط حضرت علی(ع) نوشته می‌شد تا به این ترتیب صحیفه فاطمیّه به فاطمه(س) هدیه شد. [۲۸] ریحانه رسول اعظم(ص)، بانوی اندیشمندی است که به عمق توحید به گونه‌ای خالصانه دست یافت؛ فرازهای آغازین خطبه فدکیه گوشه‌ای از درک والای او از اصل توحید را به نمایش می‌گذارد. [۲۹] خداوند آنچنان آن بانو را از علم و دانش سرشار نمود [۳۰] که گاه امیرالمؤمنین هم از او بهره علمی می‌گرفت. [۳۱] اگر دامنه علم را به بصیرت و موقعیت‌شناسی توسعه دهیم، [۳۲] بی‌شک ایشان در تصمیم‌گیری‌های خویش و در بینش خود صائب و نمونه بودند چنانکه امام جعفر صادق(ع) فرمود: او از من به حقایق امور آگاه‌تر بود. [۳۳]

درباره مقام معنوی آن حضرت(س) نیز باید گفت، بی‌تردید برای افراد عادی توان آن نیست که در عظمت مقام معنوی حضرت فاطمه(س) سخن بگویند. دختر پیامبر(ص)، معمای ناگشوده ذهن بشر و معارف بشری است. [۳۴] دختر پیامبر(ص)، حرکت معنوی خود را با قدرت الهی، با دست غیبی و با

تربیت رسول الله(ص) شروع کرد و تمامی مراحل معنوی را طی نمود تا به مرتبه‌ای رسید که دست همه از او کوتاه گشت. [۳۵] لَوْلُو نورانی رسالت چنان در ایمان و اخلاص و یقین به پیش رفت که پدر گرامی‌اش(ص) فرمود: دخترم فاطمه، (کسی است که) خداوند قلب و جوارح او را از ایمان و یقین، لبریز ساخته است. [۳۶] تنها کفو و همتای این دریای مواج و بی‌کرانه، امیرالمؤمنین علی(ع) است [۳۷] که او را به خوبی می‌شناسد درحالی‌که مردم نسبت به شناخت واقعی آن حضرت(س) عاجزند. [۳۸]

نمونه‌هایی از الگوهای رفتاری فاطمه زهرا(س)

۱. صداقت

فضائل اخلاقی از امور ضروری اجتماع بشری است که اگر این خصلت‌ها از زندگی بشر برداشته شود، بسیاری از افراد بشر در ارتکاب اعمال زشت و پایمال کردن قوانینی که رعایتش واجب است، شرم نمی‌کنند و در نتیجه جامعه بشری متلاشی می‌گردد. [۳۹] از جمله این فضائل اخلاقی، صداقت و پرهیز از دروغگویی و نفاق است. [۴۰]

معنای اولی صدق، مطابقت کلام با خارج است اما با توسعه در معنای صدق، وصف صادق بودن را وقتی بر انسانی حمل می‌کنند که گفته وی با خارج مطابقت کند و عمل او براساس اعتقادش باشد و آنچه را مراد جدی‌اش است، به جای آورد. به این ترتیب صدق صفتی است که همه اخلاق حسنه از عفت، شجاعت، حکمت، عدالت و ... را در برمی‌گیرد. پس اگر مراد از صداقت، تطابق گفتار و کردار آدمی با باطنش باشد، تمامی فضائلی را که آدمی می‌تواند کسب نماید، شامل می‌گردد که صدق در گفتار، یکی از مصادیق آن است. [۴۱]

کلمه صدیق صیغه مبالغه از صدق است و صدیق به کسی گویند که در صدق مبالغه کند یعنی آنچه را که می‌گوید انجام می‌دهد و میان گفتار و کردارش تناقضی وجود ندارد. [۴۲] یکی از القاب حضرت فاطمه(س)، صدیقه است که خود رسول خدا این لقب را به او عنایت کرد. [۴۳] مراد از آن در وهله اول راستگویی در همه اقوال است. [۴۴] عایشه در وصف دخت گرامی پیامبر اسلام(ص) می‌گوید: من کسی را به جز رسول الله(ص) راستگوتر از فاطمه(س) ندیدم. [۴۵] در مرحله بعدی مراد از صدق همان عصمت و همگامی قول و عمل است چرا که او هرآنچه را بر رسول اکرم(ص) نازل می‌شد تصدیق می‌کرد و عمل می‌نمود. [۴۶]

۲. ادب

مراد از ادب، ظرافت عمل و هیأت زیبایی است که سزاوار است عمل بر طبق آن انجام شود. مشخص است که عمل وقتی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که اولاً مشروع بوده و منع تحریمی نداشته باشد، پس در ظلم و دروغ و خیانت و کارهای شنیع و قبیح، ادب معنا ندارد و ثانیاً عمل اختیاری باشد، یعنی ممکن باشد که آن را در چند هیأت و شکل در آورد ولی شخص به اختیار خود آن را به وجهی انجام دهد که مصداق ادب واقع شود؛ نظیر ادبی که اسلام در غذا خوردن سفارش کرده است و آن عبارت است از گفتن بسم الله در اول غذا و الحمد لله در آخر آن و احتراز از خوردن در حال پری شکم و امثال این موارد از آداب غذا خوردن. بدیهی است که اقوام مختلف آداب مختلفی دارند مانند تحیت در موقع برخورد و ملاقات با یکدیگر که در اسلام این تحیت سلام است که از طرف خدای متعال، مبارک و طیب قرار داده شده و در نزد اقوامی دیگر برداشتن کلاه و یا بلند کردن دست و کارهای دیگر است و چون مطلوب نهایی دین، توحید، عبودیت و بندگی است پس ادب الهی که خدای سبحان انبیا و فرستادگانش را به آن مؤدب نموده است، هیأت زیبای اعمال دینی‌ای است که از غرض و غایت دین حکایت می‌کند. [۴۷]

با توجه به معنای بالا از ادب، حضرت فاطمه (س) بهترین الگو در رعایت آداب اسلامی است. نمونه‌هایی از این ادب در حرکت‌های آن حضرت در برابر پدر و شوی گرامی‌اش مرور می‌شود:

۱. در عصر رسالت، برخی از مسلمانان با حضرت رسول اکرم (ص) همانند دوستان خویش برخورد کرده، گاه صدای خویش را از صدای دلنواز او بلندتر می‌کردند یا او را به نام صدا می‌زدند و به این ترتیب ادب شایسته، را به جای نمی‌آوردند. از این رو آیات الهی نازل شد [۴۸] و هشدار داد که با رسول خدا به آواز بلند سخن نگویند و او را به نام صدا نزنید. حضرت فاطمه (س) پس از شنیدن آیه شریفه، با آنکه به پدر مهر می‌ورزید اما به دلیل ادب، آن حضرت (س) را رسول خدا صدا می‌زد که پیامبر (ص) او را استثناء نمود. [۴۹]

۲. هنگامی که حضرت علی (ع) به خواستگاری حضرت فاطمه (س) رفت و رسول اکرم (ص) موضوع را با دخترش در میان گذاشت، سکوت فاطمه (س)، [۵۰] نشان قبول و رضایت او بود اما به سبب حیا و ادب، کلامی بر زبان جاری نساخت. [۵۱]

۳. این فراز سرشار از ادب حضرت فاطمه (س) در برابر شوی گرانقدرش است که فرمود:

يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنْ إِلَهِي أَنْ تُكَلِّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ. [۵۲]

ای ابوالحسن! همانا من از خدای خویش شرمسار خواهم گشت که از شما چیزی بخواهم که امکان فراهم آوردنش را نداشته باشی.

۴. هنگامی که فاطمه زهرا(س) مبارزه خود با سردمداران فتنه شوم سقیفه را پی گرفت و نارضایتی خود را اعلام نمود، جوّ جامعه بر ضد آنان شد چرا که مردم این حدیث رسول گرامی(ص) را در خاطر داشتند که خدا از غضب فاطمه خشمگین خواهد شد؛ [۵۳] از این رو سران سقیفه به خدعه دست زده، تقاضای ملاقات کردند اما آن آزاد زن، با درایتی وصفناپذیر آنان را نپذیرفت تا اینکه دست به دامان امیرالمؤمنین علی(ع) شدند. حضرت فاطمه(س) با دنیایی از ادب فرمود:

الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْأُحْرَةُ زَوْجَتُكَ إِفْعَلُ مَا تَشَاءُ [۵۴]

(یا علی!) خانه خانه تو و من همسر تو هستم، هر آنچه صلاح می‌دانی انجام بده.

۳. ولایتمداری و بصیرت

ولایت تجلی توحید ربوبی، حاکمیت مطلق خداوند و تحقق اراده تکوینی و تشریحی‌اش بر انسان است و ولایتمداری به این معناست که کلیه برنامه‌ها و مجریان و مسلمین تحت دستورات یا سیره معصومین(ع) باشند. جلوه ولایتمداری در محبت نسبت به ولیّ خداست و نشان محبت‌ورزی، اطاعت است

محبت_ که جاذبه ای عرشی و رمزی از رحمت و عنایت ربانی است_ را باید نثار مقدم انوار آسمان ولایت یعنی ائمه هدی(ع) نمود با این اعتقاد که مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ. [۵۵] معیار و محک نظر برای شناخت آدمی از درجه محبت و اخلاص خویش نسبت به خدا، محبت به رسول خدا(ص) و ائمه هدی(ع) است که انسان‌های کامل هستند و انسان کامل مظهر و آینه تمام نمای صفات کمال و جمال الهی است. [۵۶] به همین جهت محبت به ائمه(ع) محبت به خداست و اگر کسی در پی محبت خداست، این امر تنها در پرتو محبت به ولایت امکان پذیر است که دین چیزی جز حب و بغض نیست. [۵۷] تنها در حریم ولایت است که جان گداخته شده، به مقام رضا، زهد، تقوا، خلوت در شب و ... می رسد و آثار و برکات معنوی حاصل می شود و نَفْسِهای مؤمن عاشق ولایت از شنیدن داستان ظلمی که بر اهل بیت(ع) رفته است غمزده شده تسبیح است. [۵۸]

از سویی دیگر، به حکم آیه *إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ* [۵۹] آنها که ادعا می کنند خدا را دوست دارند باید از رسول او پیروی کنند تا مورد محبت خدا قرار گیرند و با توجه به اینکه در آیه *أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ* [۶۰] اطاعت از رسول خدا(ص) و اولوا الامر مکمل هم و

در کنار هم آورده شده است، پس ملاک محبت الهی عمل آدمی بوده و اطاعت از رسول و اولوا الامر نشانه صداقت در محبت به پروردگار است.

ولایتمداری در ارتباط با بصیرت تفسیر می‌شود و تحقق می‌یابد.

بصیرت در لغت نامی است برای اعتقاد قلبی به دین و حقیقت. [۶۱] پس می‌توان گفت بصیرت دانایی همراه با باور قلبی است. انسان بصیر به دلیل برخورداری از نگاه ژرف به مسائل، از حوادث گذشته برای آینده عبرت می‌گیرد. لذا برخی اهل لغت بصیرت را به معنای عبرت هم آورده‌اند. [۶۲] بصیرت مانند سپری است که در هنگامه فتنه‌ها و مواقف خطرناک شخص را مصون نگه می‌دارد. از این روست که زره و لباس محافظ جنگی را نیز بصیرت گویند. [۶۳] در میان اهل بصیرت، کسانی حضور دارند که در روایات از آنها تعبیر به «نُومَه» شده است؛ اینها که در امر دین و شناخت خداوند و صفات و اسماء الهی و آگاهی نسبت به احوال دنیا و آخرت به آگاهی و بصیرت کامل رسیده‌اند، چراغ‌های هدایت و سرچشمه‌های دانش هستند که تیرگی فتنه توسط آنها برطرف می‌شود. [۶۴] متوسّمین [۶۵]، نومه و اهل اعراف [۶۶]، اهل بصیرت ناب و اولیاء الهی هستند.

حضرت فاطمه(س) با بصیرت ناب به دفاع از ولایت پرداخت. مبارزه شجاعانه و حق طلبانه و الهام‌بخش حضرت فاطمه‌زهرا(س)، نشانگر بصیرت لازم او برای مقاومت و بیدارگری در مقابل ظلم و جهل و عوام فریبی و در حقیقت تجلی ولایتمداری ایشان بود. دفاع آن حضرت(س) از ولایت، در دفاع از فدک نیز جلوه کرد چراکه غصب فدک، آن روی سکه غصب خلافت بود. [۶۷] او می‌داند که غصب فدک، انحراف از اصل اسلام و مدار حق [۶۸] است و فدک، بُعد اقتصادی خلافت؛ از این رو پرچم حق طلبی را برافراشت. سخنرانی، [۶۹] گریه‌های جان‌سوز در بیت‌الاحزان، [۷۰] اعتصاب سخن با سردمداران ظلم، [۷۱] دعوت به حق‌خواهی [۷۲] و سرانجام وصیت به تدفین مخفیانه [۷۳] از جمله شیوه‌های این بانوی بزرگوار در دفاع از ولایت بوده است.

شهیده راه ولایت _ حضرت فاطمه‌زهرا(س) _ در فرازی از خطبه فدکیّه چنین فرمود:

پس زمانی که خداوند خانه پیامبران و جایگاه برگزیدگان را برای پیامبرش ترجیح داد، علائم خفته نفاق از اعماق وجودتان سر بر آورد و لباس دین برایتان کهنه شد و سردسته منافقان زبان درآورد و ناچیزانِ هیچگاه به حساب نیامده، سربرآوردند و اظهار وجود کردند و عربده‌های سراب‌پرستان و باطل‌جویان در عرصه دل‌های شما پیچید و شیطان از مخفی‌گاه خود سربرآورد و شما را به نام خواند؛ پس شما را آشنای

کلامش و پاسخگوی دعوتش و آماده برای پذیرش خدعه و فریب و نیرنگش یافت. سپس شما را از جا بلند کرد و دید که چه راحت برمی‌خیزید و شما را گرم کرد و دید که چه آسان گرم می‌شوید و آتش (در خرمن کینه‌هایتان) انداخت و دید که چه زود شعله می‌گیرید. پس (به اغوای شیطان) بر شتری نشان زدید که از آن شما نبود و بر آب‌شخوری وارد شدید که غضب (محض) بود. این در حالی بود که هنوز از عهد پیامبر، چیزی نگذشته بود و زخم مصیبت هنوز تازه بود و دهان جراحت هنوز به هم نیامده بود و (بدن) پیامبر هنوز بیرون قبر بود. بهانه آوردید که از فتنه‌می‌ترسیدیم (پس خلیفه برگزیدیم)؛ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ [۷۴] (ولی باید) بدانید که (هم‌اکنون) در (قعر) فتنه هستید و راستی که جهنم بر کافران احاطه دارد. [۷۵]

و در فرازی دیگر از این خطبه بدیع فرمود:

(ای انصار!) شما که به شجاعت و جنگاوری معروفید، شما که به خیر و صلاح شهره‌اید، شما که دست چین شدید، برگزیده شدید، (شما چرا یاری‌ام نمی‌کنید؟) شما (همانید که) با عرب پیکار کردید، رنج کشیدید و محنت بردید و ... پس اکنون چرا بعد از آنهمه زبان‌آوری دم فرو بسته‌اید (و به وادی حیرت افتاده‌اید)؟ چرا (حق را) بعد از آشکار شدنش مخفی می‌کنید و بعد از آنهمه پیشگامی، عقب نشسته اید؟ چرا بعد از ایمان، به شرک روی آورده‌اید؟ ... به هوش باشید که من می‌بینم شما به سوی تنبلی و تن‌آسائی و عافیت‌طلبی می‌روید. [۷۶]

۴. مهربانی در خانه

«حانیه» یعنی مهربان نسبت به همسر و فرزندان، از القاب دخت گرامی رسول اکرم (ص) است. [۷۷] حضرت زهرا (س) که خود را فدایی امیرالمؤمنین (ع) می‌دانست، [۷۸] حتی تا آخرین لحظات عمرش به فکر علی (ع) بود و بر مظلومیت آن حضرت می‌گریست. [۷۹] از امام علی (ع) روایت شده که فرمود: به خدا سوگند! ... او در هیچ موردی مرا خشمگین نساخت و نسبت به من نافرمانی نداشت. هرگاه به او می‌نگریستم، غم و اندوهم از بین می‌رفت. [۸۰]

۵. قناعت:

«حَلِيفَةُ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ» [۸۱] عبارتی از زیارتنامه فاطمه زهرا (س) است که او را هم‌پیمان با زهد و انقطاع از دنیا معرفی می‌کند. هنگامی که فشار اقتصادی حاکم بر جامعه آن روز، بر خانواده سنگینی می‌کرد، فاطمه (س) بود که با آرامش خاطری شگفت از شوهرش حمایت می‌نمود و می‌فرمود:

نَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ شَيْئاً فَقَالَ لَا تَسْأَلِينَ ابْنَ عَمِّكَ شَيْئاً إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ [عَفْوٍ] وَإِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ. [۸۲]

پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا نهی کرده که از تو چیزی بخواهم، میفرمود: اگر چیزی برای تو آورد بپذیر و گرنه مبادا از او چیزی خواهش نمائی!

ایشان همانند اقیانوسی آرام، با صخره‌های مشکلات مواجه می‌شد. روزی رسول خدا(ص) به خانه دخترش آمد و با دیدن حسنین(ع)، رو به فاطمه(س)، فرمود: به فرزندانم غذا بده (تا اینگونه گرسنه نباشند). آن بانوی والا با آرامش و در قالب بیانی خاصی گفت: مَا فِي بَيْتِي شَيْءٌ إِلَّا بَرَكَهُ رَسُولُ اللَّهِ فِي خَانِهِ مَا چيزی جز برکت (حضور) رسول خدا(ص) وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، از دریای فضائل حضرت فاطمه‌زهرا(س)، به ذکر مواردی از الگوهای رفتاری آن بانوی بزرگوار پرداخته شد:

۱. قدرت او در جمع بین ابعاد متعالی خویش از همسررداری و تربیت فرزند، دفاع از ولایت و عبادت و معرفت؛

۲. الگو بودن در جمیع فضائل اخلاقی از جمله: صداقت، ادب، شفقت و قناعت؛

۳. الگویی شایسته در دفاع از ولایت با استفاده از روش‌های گریه و ابراز احساس غم، اعتصاب کلامی با دشمنان ولایت، سخنرانی و موعظه.

البته با تحلیل روش‌های حمایتی ایشان از ولایت و تحلیل بیانات وی در تبیین فتنه روزگار، بحثی تطبیقی بین عصر حضرت فاطمه‌زهرا(س) و عصر کنونی قابل ارائه است.

[۱]. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت(۲)، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲ش، ۹۸.

[۲]. مهدی صانعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، مشهد، سناباد، ۱۳۷۸ش، ۴۴.

[۳]. تحریم: ۱۱ و ۱۲.

[۴]. ممتحنه: ۴؛ نحل: ۱۲۰-۱۲۳.

[۵]. احزاب: ۲۱.

[۶]. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي (علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه‌الوفاء، ۱۴۰۴ق، ۲۳/۴۳).

[۷]. فَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ (همان، ۲۴/۴۳).

[۸]. طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش، ۲۲۵/۱۳.

- [۹]. فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِي أَسْوَأَ حَسَنَةً وجود دختر رسول خدا برای من نمونه‌ای شایسته است. (بحار الانوار، ۱۸۰/۵۳).
- [۱۰]. شخصیت زهرا اطهر، در ابعاد سیاسی و اجتماعی و جهادی، شخصیت ممتاز و برجسته‌یی است؛ به طوری که همه‌ی زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می‌توانند از زندگی کوتاه و پرمغز او درس بگیرند. (از بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶).
- [۱۱]. لغت‌نامه دهخدا، ماده (الگو).
- [۱۲]. مُنتَهَى الإِرْب.
- [۱۳]. راغب اصفهانی، المفردات، بیروت.
- [۱۴]. شعرانی، نثرطوبی.
- [۱۵]. آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰ش، ۲۶۰-۲۶۱، ماده (pattern).
- [۱۶]. identification.
- [۱۷]. ر.ک. به: اتکینسون و هیلگارد، زمینه روان‌شناسی، ترجمه براهنی و دیگران، تهران، رشد، ۱۳۷۵ش، ۱۵۷/۱-۱۷۰؛ الیوت ارونسون، روان‌شناسی، شکرگن، تهران، رشد، ۱۳۸۲ش، ۶۱-۶۲.
- [۱۸]. روانشناسی اجتماعی، اتوکلاپن برگ، ترجمه کاردان، تهران، نشر؟، ۱۳۷۲ش، ۴۹۴/۲.
- [۱۹]. زخرف: ۲۳-۲۴.
- [۲۰]. موریس دبس، مراحل تربیت، علیمحمد کادان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش، ۱۰۳.
- [۲۱]. حضرت علی(ع) در معرفی خود به خوارج فرمود: أَنَا زَوْجُ الْبُتُولِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ... وَ رِيحَانَةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) (بحار الانوار، ۲۸۳/۳۳).
- [۲۲]. صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر، ۱۳۷۸ش، ۱۹۲/۱۶.
- [۲۳]. برای نمونه در ذکر فضائل حضرت فاطمه زهرا(س) ر.ک. به: موسوی، الکوثر، قم، حاذق، ۱۴۲۰ق، ۳۵۷/۱-۴۹۷ و ۳۷۰/۲-۴۵۵؛ کرمی، سیره و سیمای ریحانه پیامبر(ص)، قم، دلیل، ۱۳۷۹ش؛ فاطمه الزهرا(ع) بهجة قلب المصطفى(ص)، رحمانی همدانی، تهران، مؤسسه بدر، ۱۳۶۹ش.
- [۲۴]. وقتی پیامبراکرم(ص) از امیرالمؤمنین علی(ع) سؤال می‌کند که فاطمه را چگونه یافتی؟ پاسخ می‌دهد: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَيَّ طَاعَةُ اللَّهِ (بحار الانوار، ۱۱۷/۴۳)؛ ابن شهر آشوب، المناقب، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق، ۳/۳۵۶).
- [۲۵]. الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ (حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق، ۱۱۳/۷) همین عبارت تمثیلی در پنجاهای حکیمانه لقمان هم روایت شده است. (بحار الانوار، ۴۲۸/۱۳).
- [۲۶]. فرازهایی از بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۹/۲۲.
- [۲۷]. جوینی، فرائد السمطین، بیروت، مؤسسه محمودی، ۱۴۰۰ق، ۶۸/۲.
- [۲۸]. کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش، ۲۳۹/۱-۲۴۰ البته عنوان «صحیفه فاطمیه» از وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی(ره) گرفته شده است (صحیفه امام، ۳۹۷/۲۱) و آنچه در روایت آمده عنوان «مُصْحَف فاطمه» است.

[۲۹]. وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا وَ أَنْارَ فِي الْفِكْرَةِ مَعْقُولَهَا الْمُتَمَتِّعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتَهُ وَ... و گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و مانند و شریکی ندارد. سخنی که روح آن را اخلاص قرار داد و دل‌های شیفتگان به حق را به آن گره زد و مفهوم و آثار آن را در اندیشه‌ها پرتوافکن ساخت؛ خدایی که دیدنش با چشم‌ها نشاید و بیان وصف او با این زبان ممکن نیست و درک ذاتش برای خردها میسر نیست و ... (طبرسی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق، ۱/۹۸-۱۰۹؛ بحارالانوار، ۲۹/۲۲۰-۲۳۵) محقق اربلی (ره) در وصف این خطبه می‌نویسد: این گفتار از خطبه‌های زیبا و بدیع است که پرتوی از نور نبوت آن را در بر گرفته است. (اربلی، کشف‌الغمه، تبریز، مکتبه بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق، ۴۷۹/۱).

[۳۰]. امام باقر(ع) فرمود: وَ اللَّهُ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ بِالْعِلْمِ قَسَمَ بِهِ خُدا که آفریدگارش او را از علم و دانش سرشار ساخت. (بحارالانوار، ۴۳/۱۳؛ الکافی، ۴۶۰/۱؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، قم، مکتبه‌الداوری، بی‌تا، ۱۷۹/۱).

[۳۱]. وسائل‌الشیعه، ۶۷/۲۰؛ بحارالانوار، ۵۴/۴۳.

[۳۲]. بصیرت، نوعی عبرت و عبور کردن از ظاهر به باطن است به این صورت که در اثر تفکر، نوری در قلب شخص ایجاد می‌شود که او در پرتو روشنایی آن نور، به حقیقت اشیاء پی می‌برد. (احمد نگری، دستورالعلماء، بیروت، مؤسسه‌الأعلمی، ۱۳۹۵ق، ۲۵۱/۱).

[۳۳]. بحارالانوار، ۴۳/۱۰؛ دلائل‌الامامه، طبری، قم، دارالذخائر، بی‌تا، ۱۲.

[۳۴]. از بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۰/۱۷.

[۳۵]. صحیفه امام، ۳۳۸/۷.

[۳۶]. بحارالانوار، ۴۳/۲۹؛ قریب به همین مضمون در دلائل‌الامامه، ۴۸ آمده است.

[۳۷]. لَوْ لَا عَلِيٌّ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ أَبَدًا اِگر علی(ع) نبود همتایی برای فاطمه پیدا نمی‌شد. (بحارالانوار، ۴۳/۵۸) علی بن ابراهیم قمی آیه مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ روان کرد دو دریا را که بهم برسند (الرحمن: ۱۹) را به علی و فاطمه تفسیر کرده است. (تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش، ۳۴۴/۲).

[۳۸]. امام صادق(ع) فرمود: اِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخُلُقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا فَاطِمَةُ(س)، فاطمه نامیده شد چون مردم از شناخت او محروم‌اند. (فرات کوفی، تفسیر فرات، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ق، ۵۸۱؛ بحارالانوار، ۴۳/۶۵).

[۳۹]. ر.ک. به: علامه طباطبایی، المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق، ۴/۱۸۱.

[۴۰]. برای توضیح بیشتر ر.ک. به: شهید دستغیب، گناهان کبیره، جلد اول، باب دروغ.

[۴۱]. همان، ۱۱۲/۳.

[۴۲]. همان، ۵۷/۱۴.

[۴۳]. ترجمه فاطمة‌الزهرا من المهد إلى اللحد، ۷۳-۷۴.

[۴۴]. شاهد بر این معنا، کلام ابوجعفر قمی است که می‌گوید ما ایشان را صدیقه می‌نامیم و مرادمان بسیار راستگوی در اقوال است. (المناقب، ۳۵۷/۳).

[۴۵]. عطاردی، مسند فاطمة‌الزهراء(س)، تهران، عطارد، ۱۴۱۲ش، ۳۴.

- [۴۶]. علامه مجلسی، مرآة-العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش، ۳۱۵/۵.
- [۴۷]. المیزان، ۲۵۶/۶-۲۵۷.
- [۴۸]. حجرات: ۱-۲؛ نور: ۶۳.
- [۴۹]. رسول گرامی اسلام(ص) فرمود: (فاطمه جان!) مرا پدر صدا کن (نه رسول خدا) زیرا قلب من به این کلمه خشنود می‌گردد و زنده می‌شود. (بحارالانوار، ۳۳/۴۳).
- [۵۰]. زنجانی خوئینی، الموسوعة-الكبرى، قم، دلیل ما، ۱۴۲۳ق، ۱۲۹/۳.
- [۵۱]. همان، ۱۴۰/۳؛ مرعشی تستری، احقاق-الحق، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۱ق، ۲۷۳/۵.
- [۵۲]. بحارالانوار، ۱۰۳/۳۷؛ کشف-الغمه، ۴۶۹/۱.
- [۵۳]. بحارالانوار، ۲۲۰/۴۳.
- [۵۴]. بحارالانوار، ۳۰۳/۲۸؛ عنوان حرّه در جواب بیان امیرالمؤمنین(ع) آمده است که حضرت فاطمه(س) را به این صورت مخاطب قرار داد: أُيْتَهَا الْحُرَّةُ فَلَانَّ وَ فَلَانَّ بِالْبَابِ ... (همان).
- [۵۵]. هرکس شما را دوست داشته باشد خدا را دوست دارد و هر کس با شما خشم و کینه ورزید با خدا به دشمنی برخاسته است. (فرازی از زیارت جامعه کبیره).
- [۵۶]. ر.ک. به: حسن زاده آملی، انسان کامل از دیدگاه نهج-البلاغه، بنیاد نهج-البلاغه، ۱۳۶۱ش، ۴۱-۴۳.
- [۵۷]. هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ (همان، ۱۲۸/۱۵).
- [۵۸]. امام صادق(ع): نَفْسُ الْمَهْمُومِ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمَّةٌ لَنَا عِبَادَةٌ (بحارالانوار، ۶۴/۲؛ شیخ طوسی، الأمالی، دارالثقافه، قم، ۱۴۱۴ق، ۱۱۵؛ شیخ مفید، الأمالی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق، ۳۳۸).
- [۵۹]. آل عمران: ۳۱.
- [۶۰]. نسا: ۵۹.
- [۶۱]. فراهیدی، العین، قم، دارالهجره، ۱۴۱۰ق، ۱۱۷/۷، ماده(بصر).
- [۶۲]. همان، ۱۱۸/۷.
- [۶۳]. همان، ۱۱۷/۷.
- [۶۴]. الکافی، ۲/۲۲۵؛ مستدرک-الوسائل، ۳۸۶/۱۱.
- [۶۵]. حجر: ۷۵.
- [۶۶]. اعراف: ۴۶ و ۴۸.
- [۶۷]. در باب دلائل مطالبه فدک توسط حضرت فاطمه(س) ر.ک. به: قزوینی، فاطمة الزهرا من المهد إلى اللحد، ترجمه فریدونی، تهران، آفاق، ۱۴۰۴ق، ۳۲۹-۳۳۴.

[۶۸]. پیامبر(ص) فرمود: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ عَلِيٌّ بِحَقِّ اسْتِ وَ حَقِّ بَا عَلِيٍّ، عَلِيٌّ بِرِ مَحْوَرِ حَرَكْتِ حَقِّ دَوْرَانِ دَارِدِ. (بحار الانوار، ۴۳۲/۱۰؛ کراچی، التعجب، قم، دارالغدیر، ۱۴۲۱ق، ۶۱).

[۶۹]. ر.ک. به: بحار الانوار، ۱۹۰/۲۹ و ۱۹۸/۴۳؛ الاحتجاج، ۸۰/۱ و ۹۰-۹۱؛ شیخ مفید، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ۱۸۳/۱-۱۸۵؛ کشف-الغمه، ۴۷۷/۱؛ دلائل-الامامه، ۴۴-۴۵.

[۷۰]. بحار الانوار، ۱۷۷/۴۳-۱۷۸.

[۷۱]. همان، ۳۷۵/۲۹-۳۷۶ و ۲۰۳/۴۳.

[۷۲]. ابن-ابی-الحدید معتزلی می-نویسد: پس از رویداد سقیفه، ریحانه رسول-خدا(ص) به همراه امیرالمؤمنین(ع) به درب خانه انصار می-رفت و آنان را به یاری حق و عدالت دعوت می-کرد. (ابن-ابی-الحدید، شرح نهج-البلاغه، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ق، ۱۳/۶).

[۷۳]. بحار الانوار، ۳۰۵/۷۸.

[۷۴]. توبه: ۴۹.

[۷۵]. فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَمَأْوَىٰ أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النَّفَاقِ وَ ... (الاحتجاج، ۹۸/۱-۱۰۹؛ بحار الانوار، ۲۲۰/۲۹-۲۳۵).

[۷۶]. وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، ... (همان)

[۷۷]. بحار الانوار، ۱۷/۴۳؛ المناقب، ۳۵۷/۳.

[۷۸]. رُوحِي لِرُوحِكَ الْفِدَاءِ وَ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَفَاءَ (حائری مازندرانی، کوكب الدرّی، نجف، حیدریه، ۱۴۱۰ق، ۱۹۶)

[۷۹]. بحار الانوار، ۲۱۸/۴۳.

[۸۰]. همان، ۱۳۴/۴۳؛ کشف-الغمه، ۳۶۳/۱.

[۸۱]. همان، ۲۰۰/۹۷؛ سیدبن-طاووس، اقبال-الاعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش، ۶۲۵

[۸۲]. همان، ۳۱/۴۳؛ عیاشی، تفسیر عیاشی، تهران، علمیه، ۱۳۸۰ق، ۱۷۱/۱



رهسپاریم با ولایت تا شهادت
هیأت روضه الزهراء دزفول

roztoalzahra.ir

تلگرام: @Roztoalzahra_Dez

اسفندماه ۱۳۹۵

میشن میلاد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها